

خیابان، موتور، حزب

مروری بر سیر تطور حسین الله‌کرم که این روزها به کار حزبی روی آورده است

محمدحسن نجمی

بخشی از کسانی که روزگاری کف خیابان با موتور در حال شعار دادن بودند، حالا تصمیم گرفته‌اند به جای کف خیابان، شعارهایشان را از طریق حزب و تشکل پیگیری کنند. هفته گذشته اعلام شد که «حسین الله‌کرم» حزب تاسیس کرده است.

الله‌کرم و دوستانش هفته پیش در مسجد موسی‌بن جعفر(ع) محله کبکانیان جمع شدند که طی آن دبیرکل سابق انصار حزب‌الله بیانیه‌ای قرائت کرد تا «جمعیت رزمنده مدافع انقلاب اسلامی» با نام اختصاری «رزما» رسماً اعلام موجودیت کند.

در بخشی از این بیانیه آمده است: «جمعیت رزمنده مدافع انقلاب اسلامی(رزما) توسط جمعی از پیشکسوتان دفاع مقدس به منظور معرفی یک گروه مرجع و عملیاتی کردن بیانیه گام دوم انقلاب، تأسیس و از کمیسیون ماده ۱۰ احزاب وزارت کشور مجوز فعالیت دریافت کرده است.»

«کمک به محرومیت‌زدایی»، «تولید بصیرت سیاسی و فرهنگی»، «جهاد تبیین» و «آگاهی‌سازی، کادرسازی، معرفی شایستگان انقلابی در انتخابات» از جمله اهداف «رزما» معرفی شده است.

الله‌کرم درباره این تشکل خود گفته: «رزمندگان و پیشکسوتان دفاع مقدس یک جریان پیوسته و گسترده هستند و در مسائل مختلف اجتماعی و فرهنگی بسیار فعال بوده‌اند، حالا تصمیم گرفته‌اند که یک راه جدید را برای کمک به ترغیب جوانان برای ورود به صحنه‌ی سیاسی در پیش بگیرند تا ما بتوانیم به ایثارگری انقلابی در این جهت جامه عمل بپوشانیم.»

به گفته او «احزاب در کشور ما در خانه احزاب به سه جریان اصلاح‌طلب، اصولگرا و مستقلین تقسیم می‌شوند که ما فعلاً در گروه

مستقلین هستیم. اما در اساس ما یک گروه مرجع محسوب می‌شویم.»

الله‌کرم تاکید کرده که «رزمندگان مانند دانشگاہیان و حوزویان یک گروه مرجع هستند و گروه‌های مرجع عمدتاً نباید شکل و ساختار گروهی و جریانی به خود بگیرند یعنی بگویند ما جزو جریان اصولگرا یا اصلاح‌طلب هستیم.» او دوباره تاکید کرده: «ما فعلاً از نظر ساختار خانه احزاب جزو مستقلین قرار می‌گیریم اما در حقیقت خودمان را به مثابه گروه مرجعی میدانیم که نباید شکل جناحی به خود بگیرد و باید منافع ملی و عمومی کلان و مردم را در نظر بگیرد.»

الله‌کرم که سمت «دبیر هیات موسس رزما» را در این تشکیلات دارد، افزوده که «برای مثال در مساله مفسد باور ما به این است که فساد ممکن است در هر جایی اتفاق بیفتد منتها بسترهای آن باید از بین برود. این نکته ربطی به گروه‌ها و جناح‌ها ندارد. اما برخی گروه‌های سیاسی در کشور بودند که حتی از گروه‌های مفسد دفاع کردند. ما از گروه‌هایی همچون گروه آقای ریسی تقدیر می‌کنیم که از فساد حمایت یا تقدیر نمی‌کنند و اگر اتفاقی می‌افتد آن را پذیرفته و با آن برخورد می‌کنند اما برخی از گروه‌ها با این مسائل سیاسی برخورد می‌کنند اگر از جناح خودی باشد چشم‌پوشی می‌کنند و اگر از جناح دیگر باشد با آن برخورد می‌کنند.»

او درباره فعالیت انتخاباتی تشکل متبوعش نیز گفته: «ما فعلاً در حال بررسی مواضع این گروه‌ها هستیم. البته به طور دقیق آنها را رصد کرده و آشنایی داریم ولی من فکر می‌کنم که در انتخابات آینده رقابت حزبی جایگزین رقابت جبهه‌ای خواهد شد یعنی اگر ما بخواهیم مشارکت را افزایش بدهیم بهتر است که رقابت به شکل حزبی برگزار شود.»

بچه جنوب شهر، همچنان موتورسوار

حسین الله‌کرم نام آشنایی در سیاست ایران است؛ او که روزگاری نامش با موتور و خیابان عجین شده بود، یک سیر تطور طولانی را پیموده تا امروز که دبیر هیات موسس یک تشکل سیاسی شده است؛ سیر تغییر و تحولی از کف خیابان تا کار کلاسیک سیاسی.

بچه جنوب شهر تهران است و هنوز موتورسوار. او سال 1335 متولد شده و 67 سال دارد. پدرش پینه‌دوز یا همان تعمیرکار کفش بود و مادرش هم خانه‌دار. او تهرانی محسوب می‌شود ولی اجداد پدری‌اش به لرستان می‌رسد و اجداد مادری‌اش هم به منطقه‌ای میان زنجان و قزوین.

خانه‌اش در محله ابن‌بابویه تهران است؛ به قول خودش «اجازه بدهید یکی از سرداران سپاه همچنان موتورسوار باشد. همچنان خانه او کنار قبرستان یعنی ابن‌بابویه باشد. مثل مردم بودن و مثل مردم زندگی کردن عیبی ندارد.»

در 26 سالگی ازدواج کرد و دو پسر دارد. البته زمانی که به عنوان وابسته نظامی ایران در کرواسی، در سفارت جمهوری اسلامی مشغول مأموریت بود، همسرش را از دست داد. بعدها او با همسر یک شهید ازدواج کرد که از این اقدام رضایت دارد: «من الان یک خانواده 5 نفره دارم؛ چرا که بعد از آن با خانواده شهیدی خداوند توفیق داد ازدواج کردم و سه فرزند از آن شهید و دو فرزند از خودم دارم. همان چیزی شد که خودم دلم می‌خواست، همان پیش آمده و در درجه بالاتر و ممتازتر است.»

حضور در کمیته

پیش از آغاز جنگ و در روزهای نخست پس از انقلاب، او در تشکیل کمیته منطقه 10 تهران ایفای نقش کرد. الله‌کرم این کمیته را کمیته‌ای موثر می‌داند چرا که آیت‌الله عمید زنجانی در مسجد نورزاده تهران (جنوب شرق تهران) حضور داشت. به گفته خودش وقتی در نوروز سال 1358 «کردستان نیاز به نیرو داشت» او و دوستانش جزو اولین گروهی بودند که از کمیته‌ها اعزام شدند: «شهید چمران بود و ما هم از طریق نخست‌وزیری کمیته‌ای بودیم. نیروهای کمیته بودیم ولی تحت سرپرستی نیروهای نخست‌وزیری رفتیم. پاکسازی داشتیم؛ با هواپیما در سنج پیاپی شدیم. یک سری مسائل در آنجا اتفاق افتاد و یک سری پاکسازی‌ها داشتیم.»

الله‌کرم به صورت غیرمستقیم نقشی در اجرای اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان خط امام در آبان ماه 1358 ایفا کرده است. او در گفت‌وگو با نشریه «شاهد یاران» که پاییز سال 1391 منتشر شد، گفته بود: «در جریان‌ات لانه جاسوسی، من پشتیبانی یک بخشی از بچه‌های دانشگاه شهید بهشتی در بیمارستان آیت‌الله طالقانی را انجام می‌دادم.»

جنگ و رفاقت با سعید قاسمی

او از جمله افرادی است که در دوران جنگ عراق و ایران، در جبهه‌ها حاضر بود و نقش‌هایی متفاوت با فرماندهانی متفاوت را تجربه کرده است. از همان روزهای ابتدایی جنگ - او که عضو سپاه پاسداران بود

- راهی جبهه‌ها شد. در قرارگاه‌های مختلف در زمان جنگ کار کرده است؛ او از همان زمان با سعید قاسمی ارتباط نزدیکی دارد و هنوز رفاقتشان ادامه دارد. الله‌کرم در پایان جنگ فرمانده تیپ مسلم‌بن‌عقیل، تیپ ۳۱۳ لشکر الزهرا بود.

پس از پایان جنگ، او همچنان عضو سپاه پاسداران باقی ماند. با آغاز دولت هاشمی رفسنجانی از سال 1368 و پی گرفتن سیاست‌های بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ، او کم‌کم تبدیل به منتقد سیاست‌های دولت شد.

دیگر جنگ به پایان رسیده بود و الله‌کرم و رفقا، از میادین جنگ نظامی دور شدند. آنها اما در اولین دولت پس از جنگ، به جنگ سیاست‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی آن برخاستند. تصور و اعتقادشان بر این بود که دولت در حال ترویج تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری است و نتیجه هم می‌شود فراموشی ارزش‌هایی که انقلاب داشته است. شاهد این ادعا هم همان سخنان معروف هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه بود که بر خوب زندگی کردن مردم تاکید داشت؛ سخنانی که تا سال‌ها بعد همچنان به عنوان آغاز دوره تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی از سوی دولت وقت معرفی می‌شود. اما در واقع دولت می‌خواست مردم تجربه‌ای از زندگی در شرایط عادی داشته باشند؛ در سال‌های پس از جنگ و کشوری با ویرانی‌های گسترده ناشی از جنگ، به نظر نمی‌رسید کشور بتواند ریاضت‌های آن زمان را تاب بیاورد؛ از سوی دیگر بازسازی خرابی‌ها و همچنین راحت‌تر شدن دسترسی‌های ایران به دلارهای فروش نفت، شرایطی را ایجاد کرده بود که خواهی نخواهی، مردم به سمت زندگی بهتر با رفاه بیشتر حرکت می‌کردند.

این طیف هر زمان تریبونی پیدا می‌کردند در اعتراض به سیاست‌های اقتصادی و فرهنگی دولت صحبت می‌کردند و بر لزوم امر به معروف و نهی از منکر تاکید داشتند. سال 1372، الله‌کرم به همراه برخی دوستانش در هیات رزمندگان اسلام، تشکلی به نام «انصار حزب‌الله» را تشکیل دادند. البته آن هیات رزمندگان اسلام که در دهه 60 و در طول سال‌های جنگ فعالیت داشت.

الله‌کرم و ده‌نمکی و سازور و...

انصار حزب‌الله با حضور چهره‌هایی چون «حسین الله‌کرم»، «عبدالحمید محتشم»، «مسعود ده‌نمکی»، «حسین سازور» و «ذبیح‌الله بخش‌زاده» مشهور به «حاجی بخشی» و بنا به برخی روایتها «محمدرضا نقدی» آغاز

به کار کرد.

بنا بر نوشته ایرنا، «موسسه فرهنگی انصار حزب‌الله ۲۹ آذر ۱۳۷۳ به همت جمعی از رزمندگان و جانبازان ۸ سال دفاع مقدس از وزارت ارشاد مجوز فعالیت گرفت.»

«عبدالحمید محتشم» از قدیمی‌های انصار حزب‌الله می‌گوید: «اواخر دهه ۶۰ و در واقع حدود یکی، دو سال بعد از پایان دفاع مقدس، در مقطعی که رهبر انقلاب به بحث جنگ نرم و مقابله با تهاجم فرهنگی توسط نیروهای مردمی و رزمنده اشاره کردند و در واقع جنگ سخت نظامی تمام شده بود و دشمن وارد فاز جنگ نرم شده بود که یک بعد آن تهاجم فرهنگی بود برخی دوستان احساس کردند که می‌توانند در این قضیه موثر باشند و در این ارتباط همدیگر را پیدا کردند... ما یک سری هیات رزمندگان اسلام نیز داشتیم که در آن زمان برخی اعضای آنها به انصار آمدند، ولی آن هیات جمع نشد و آنها نیز فعالیت می‌کردند و بعداً یک سازمان جدیدی پیدا کردند که همان هیات رزمندگان کنونی با یک سری افراد جدید است.»

همزمان انصار حزب‌الله مجوز انتشار نشریه‌ای به نام «یالثارات» را دریافت کرد که تا سال ۱۳۹۵ منتشر می‌شد؛ اما در سال ۱۳۹۵ به دلیل مواضع تند و بعضاً همراه با فحاشی، وزارت ارشاد این نشریه را لغو امتیاز کرد.

سال ۱۳۷۴ یعنی چند ماه پس از دریافت مجوز رسمی، اله‌کرم و رفقا در انصار حزب‌الله فعالیت خود را تشدید کردند. انواع و اقسام تجمعات را برگزار می‌کردند؛ راهپیمایی از مقابل برج سفید در خیابان پاسداران تا میدان مادر (محسنی) در میرداماد در اعتراض به بی‌حجابی و سرمایه‌داری یکی از این تجمعات بود.

تجمع در اعتراض به تیپ‌های رپی

یکی از عجیب‌ترین دلایل تجمعات آنها مربوط می‌شود به تجمع در شهرک غرب که در اعتراض به «بدحجابی و آرایش جوانان به سبک رپ» عنوان شد؛ آنها حتی برای این تجمع و راهپیمایی اسم نیز انتخاب کرده بودند: «مانور مسلم بن‌عقیل». انصار حزب‌الله مقابل پاساژ معروف آن روزهای شهرک غرب، نماز جماعت برگزار کردند و در خلال آن تجمع شعارهای «مرگ بر بدحجاب»، «مرگ بر رپی‌ها»، «نه سازش نه تسلیم، نبرد با آمریکا»، «بهشتی بهشتی با خون خود نوشتی، استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، «امر به معروف ما ضد بی‌بند و باری است / قیام

امروز ما ضد بی‌بند و باری است»، «حسین، حسین شعار ماست / شهادت افتخار ماست» سر دادند.

دیدار در بالکان

جنگ بوسنی در اوایل دهه 70 خورشیدی، میدانی را پدید آورد تا الله‌کرم همراه رفقاییش برای «کمک‌های مستشاری» به این منطقه اعزام شوند. آنها برای کمک به مسلمانان بوسنی راهی این کشور شدند. سال‌ها بعد سعید قاسمی از هم‌زمان الله‌کرم در یک برنامه اینترنتی گفت که «در بوسنی تحت پوشش هلال احمر رفته بودیم، به نیروهای مجاهدین آموزش نظامی می‌دادیم. کریستین [امانپور] خبرنگار سی‌ان‌ان ما را لو داد. با القاعده‌ای‌ها با هم بودیم. [القاعده‌ای‌ها] از ما استیل [یعنی سبک و سیاق] گرفتند. با مجاهدین سراسر دنیا یگان‌های جهادی تشکیل دادیم.»

این جنجال‌آفرینی قاسمی، واکنش‌های زیادی را حتی در سطح بین‌المللی برانگیخت. وقتی این واکنش‌ها بالا گرفت و شکایت هلال‌احمر را در پی داشت، الله‌کرم برای دفاع از رفیقش وارد گود شد و از او حمایت کرد: «سعید نگفت که ما با لباس هلال‌احمر یا از طریق هلال احمر در بوسنی بودیم. در واقع او با استفاده از این تعبیر می‌خواست بگوید: «ما آنجا امدادگر بودیم» چون امداد و کمک‌رسانی شاخصه و ویژگی هلال‌احمر است بنابراین فعالان این حوزه امدادگر محسوب می‌شوند.»

الله‌کرم درباره ادعای ارتباط با نیروهای القاعده در بوسنی هم تاکید کرد که «القاعده لایه‌های مختلفی دارد؛ لایه‌ای که شامل نیروهای بوسنی و هرزگوین بود، آنها به نحوی با ما ارتباط داشتند، گاهی از اینها وقتی در مقرهای القاعده آموزش می‌دیدند وقتی اسلحه خود را تحویل می‌گرفتند بنا به دلایلی آنجا را ترک می‌کردند و به سمت ما می‌آمدند. ارتباط با القاعده عمدتاً در این لایه‌ها بود.»

کار، کار نفوذی‌هاست!

اقداماتی که به پای انصار حزب‌الله به دبیرکلی حسین الله‌کرم نوشته شده، شاید بیشتر از 100 عنوان باشد؛ اما الله‌کرم زیر بار هیچ یک از تجمعات خشونت‌آمیز نمی‌رود. او برگزاری این تجمعات را قبول دارد؛ مانند تجمع اعتراضی به اکران فیلم «آدم برفی»، تجمع اعتراضی بابت اکران فیلم «تحفه هند» که به سینما قدس در میدان ولیعصر حمله شد، درگیری در جلسه سخنرانی عبدالکریم سروش در دانشکده فنی دانشگاه تهران، محاصره فرودگاه خرم‌آباد در اعتراض به

حضور محسن کدیور و عبدالکریم سروش، تجمع مقابل وزارت اقتصاد دوره هاشمی.

سالها بعد اما الله کرم همه این اقدامات خشونت‌بار را به نفوذی‌ها نسبت داده و گفته «در نیروهای ارزشی نیروهای خودسر هم وجود دارد. علاوه بر نیروهای نفوذی نیروهای خودسر که تحت فرآیند هیجانی که نیروی نفوذی می‌تواند به وجود بیاورد، می‌توانند به آن سمت کشیده شوند.»

«از طرف حزب‌الله می‌گویم

که تجمع به خشونت نمی‌انجامد»

فروردین 1377 وقتی دفتر تحکیم وحدت پس از دریافت مجوز از وزارت کشور، «تجمع مردمی و دانشجویی اتحاد مردمی، اقتدار خاتمی» را ترتیب داد، الله کرم این تجمع را نه برای خاتمی، که برای حمایت از غلامحسین کرباسچی شهردار وقت تهران که دادگاهی شده بود، ارزیابی کرد: «خاتمی نیازی به چنین حمایتی ندارد چرا که حمایت 20 میلیونی همچنان به قوت خود باقی است. موضوع این گردهمایی خاتمی نیست بلکه حمایت از شهرداری است و من محکم می‌گویم که خاتمی نیازی به چنین حمایتی ندارد. این تجمع پوششی است برای دفاع از کرباسچی. این گردهمایی مخالف با روح عدالت و قانونگرایی در کشور است.»

او تاکید داشت: «این تجمع با مجوز وزارت کشور حکم قانون دارد و تمام گروه‌ها نیز باید به قانون احترام بگذارند.»

الله کرم در ادامه سخنان تامل‌برانگیزی درباره انتخابات ریاست جمهوری و سال 1376 بیان کرده بود: «در انتخابات عجیب دوم خرداد، کسانی که در راس قدرت بودند شخص خاصی را مدنظر داشتند اما وقتی خاتمی رای ملت را آورد انتقال قدرت بدون هیچ گونه خشونتی انجام شد و این انتقال قدرت نوعی احترام به قانون بود.» او پیشاپیش هرگونه دخالت خشونت‌بار حزب‌الله در این تجمع را هم رد کرده بود: «من به صراحت از طرف حزب‌الله می‌گویم که این تجمع به خشونت نمی‌انجامد و اگر خشونتی صورت بگیرد از طرف خود این جریان است.»

واکنش به قتل‌های زنجیره‌ای

دی ماه 1377، پس از انتشار ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای و داغ شدن این موضوع در جامعه، اودر برنامه گرامیداشت شهدای عملیات کربلای 5، در

این باره صحبت کرد. آن طور که روزنامه زن در شماره 29 دی 1377 منتشر کرده، حسین الله‌کرم گفت: «یک ماه جنگ تبلیغاتی به راه انداختند تا این قتلها را به گردن حزب‌اللهیها بیندازند و می‌خواستند بگویند که عاملان قتلها از روحانیت دستور می‌گرفتند. اگر بخواهند این مسائل را بر گردن حزب‌اللهیها بیندازند، قابل قبول نیست. اما بعد مشخص شد که عاملان این قتلها به اصطلاح، با انحصار مخالف و طرفدار جبهه مردم سالار و آن چیزی که این روزها می‌گویند جامعه مدنی و این حرفها بودند.»

او افزوده که «وقتی معلوم شد این قتلها را چه افرادی ترتیب داده بودند این بنده خدا آقای حسینیان - که در انتخابات ریاست جمهوری به عنوان یک نیروی آزاد طرفدار خاتمی و ناطق نوری نبود - گفت که این قتلها را افرادی انجام داده‌اند که خودشان را طرفدار رییس‌جمهور نشان می‌دادند و این حرفها را که من می‌زنم ربطی به رییس‌جمهور ندارد فقط می‌گویم افراد متدین این قتلها را انجام داده‌اند.»

به گفته الله‌کرم، «بعد از این سخنان حسینیان و صدا و سیما را به توپ بستند که چرا این مصاحبه انجام و پخش شده است. مگر صدا و سیما چه گناهی مرتکب شده بود؟ مگر حسینیان غیر از این گفت که بروید ریشه‌یابی کنید؟ آنها برخوردهای ناشایستی کردند و در دانشگاه تجمع کردند و شعار مرگ بر حسینیان سر دادند و حتی به سپاه و حزب‌الله حمله کردند و شعار دادند که مرگ بر پینوشه / ایران شیلی همیشه. اینها به فرمانده سپاه اهانت کردند.»

او با بیان اینکه «قابل قبول نیست که مسائل را به گردن حزب‌اللهیها بیندازند» ادامه داد: «چرا که حزب‌اللهیها به بعضی دشمن رحم و مروت داشتند چه برسد به این دشمن‌های بی‌خطری که به هر حال بعضی از آنها برای وزارت اطلاعات کار می‌کردند.»

الله‌کرم افزود: «دلیل این تشنجات داخلی هم این است که یک عده‌ای می‌خواهند ولایت فقیه، ولایت نکند بلکه نظارت کند. ما مسجدی‌ها و اهل دین و کسانی که زیر پرچم امام حسین سینه زده‌ایم و دوستان و هم‌زمان ما تکه‌تکه شده‌اند، از دین دفاع می‌کنیم، از روحانیت و مرجعیت دفاع می‌کنیم». او در پایان هم دعای خاصی کرد: «خدایا ریشه کسانی که می‌خواهند ولایت فقیه، نظارت کند و چیزی به نام جمهوری اسلامی نباشد بلکه تنها جمهوریت باشد، قطع کن.»

تهدیدی از نوع «خالد اسلامبولی»

سال 1378 و دو هفته قبل از وقایع کوی دانشگاه تهران در 18 تیرماه و 9 ماه قبل از ترور سعید حجاریان، او تهدید به پیش آمدن «وضعیت خالد اسلامبولی» کرده بود. روزنامه نشاط در شماره سوم تیرماه 1378 خود به نقل از الله‌کرم نوشت: «خوب است بتوانیم واژه‌ها را درست تعریف کنیم در غیر این صورت جایگاه مستضعفان، فقرا و رزمندگان مستضعفان جهان که برای آزاد شدن از سلطه آمریکا تلاش می‌کنند چه می‌شود و آنان در چه جایگاهی قرار می‌گیرند؟» به گفته الله‌کرم: «در قانون اساسی تنش‌زدایی، جامعه مدنی و گفت‌وگوی تمدن‌ها جایگاه خاصی دارد که هیچ کس نمی‌تواند به آن تجاوز کند». او در نهایت توصیه کرده بود: «بنا بر این بهتر است آنهایی که از قانون دم می‌زنند به قانون برگردند و جایگاه خودشان را بشناسند والا وضعیتی پیش خواهد آمد که در مورد قضیه خالد اسلامبولی پیش آمد.»

خالد اسلامبولی یک افسر ارتش مصر بود که «انور سادات» رییس‌جمهوری این کشور را پس از مذاکره با اسرائیل درباره بازپس‌گیری صحرای سینا، ترور کرد.

وابسته نظامی در زاگرب

همزمان با روی کار آمدن دولت محمود احمدی‌نژاد، الله‌کرم وارد روزهای خوش شد؛ دولتی محبوب برای او با رییس‌جمهوری که تفکراتی نزدیک به او داشت. دولت احمدی‌نژاد برای الله‌کرم برکت کرد و او سال 1386 به عنوان وابسته نظامی ایران راهی زاگرب، پایتخت کرواسی شد. از 1386 تا 1389 او در زاگرب بود و البته در دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات در حال تحصیل مقطع دکترای علوم سیاسی هم بود و سال 1388 از رساله دکترای خود دفاع کرد. او در دانشگاه آزاد علوم سیاسی تدریس می‌کند و چند سالی می‌شود که در گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران نیز درس‌هایی را ارائه می‌دهد.

انتقاد نرم از حمله به سفارت بریتانیا

ماموریت در قامت یک دیپلمات در زاگرب و تجربه بین‌المللی حاصل از آن، باعث نشد که الله‌کرم درباره حمله «دانشجویان» به سفارت بریتانیا در آذرماه 1390 مانند سایر دیپلمات‌ها نظر بدهد. پاییز سال 1391، الله‌کرم در گفت‌وگو با مجله «کیهان فرهنگی» گفت «اینکه اقدام دانشجویان در سفارت انگلیس آیا می‌تواند در چارچوب (اهداف اشغال سفارت آمریکا در سال 58) قرار بگیرد یا نه، به نظر من ضمن

اینکه نشان داد که دانشجویان ما در سال 1390 در رابطه با جریان‌های مداخله‌گر خارجی به شدت عصبانی هستند و همچنین بیانگر این بود که از دخالت‌های مستقیم آمریکا و انگلیس در فتنه 88 به شدت نگران و مخالف هستند، می‌خواهند مخالفت خودشان را به طریقی به آمریکا و انگلیس نشان بدهند.»

او افزود: «باید توجه داشت که انگلیس به هیچ وجه ابرقدرت دنیا نیست بلکه دنباله‌روی آمریکا به حساب می‌آید. ما باید بیشتر در شکستن چهره آمریکا فعال باشیم نه اینکه وضعیتی به وجود بیاوریم که انگلیسی‌ها بتوانند به ناحق مظلوم‌نمایی کنند.» الله‌کرم در بخش دیگری از سخنانش به مذاکرات هسته‌ای ایران اشاره کرد که آن زمان به صورت غیرمستقیم در قالب 5+1 با آمریکا در جریان بود: «ایرانی‌ها زمانی با پترائوس به طور مستقیم در رابطه با منافع عراق مذاکره کردند و امروز به طور غیرمستقیم در 5+1 این مذاکرات ادامه دارد.»

پس از تغییر برخی رویکردهای دولت احمدی‌نژاد، الله‌کرم هم مانند بخش اعظم محافظه‌کاران به او پشت کرد و لب به انتقاد از رییس‌جمهوری محبوب سابق گشود.

کم شدن بازه فعالیت در دولت روحانی

با روی کار آمدن دولت حسن روحانی، الله‌کرم باز هم به میادین بازگشت؛ با همان شیوه تجمعاتی که به گفته وزارت کشور مجوز هم نداشته است. او و دوستانش در اعتراض به همان موضوع «برج‌جایی» مقابل وزارت کشور تجمع کردند؛ یا در اعتراض به برگزاری مسابقه فوتبال ایران و کره‌جنوبی در ورزشگاه آزادی، که این مسابقه انتخابی جام‌جهانی مصادف با شب تاسوعا می‌شد.

اما در دولت روحانی، آن قدرتی که در زمان هاشمی و خاتمی داشتند، را دیگر نداشتند؛ او البته به صورت رسمی دیگر دبیر کل انصار حزب‌الله نبود؛ اما همچنان نفوذ زیادی داشت. با این حال، جامعه دیگر نشان داده بود که پذیرای چنین رفتارهایی نبوده و دیگر فضا، فضای دهه 70 و 80 نیست.

تغییر مثبت

می‌توان ادعا کرد که این تغییر استراتژی الله‌کرم و یاران از تاثیرات تغییرات اجتماعی و مهم‌تر از آنها، اثرات جامعه مدنی

باشد؛ موضوعاتی که روزگاری الله‌کرم به آنها مرتاخت حالا او را مجبور کرده که تن به تغییرات اساسی بدهد و از آن الله‌کرم ایستاده در کف خیابان به الله‌کرم نشسته در حزب تبدیل شود. شاید آنها دیگر فضای جامعه را برای اردوکنشی خیابانی مناسب نمی‌بینند تا بابت هر اتفاقی جلوی یک سازمان و اداره دولتی یا خصوصی تجمع کنند و شعار بدهند و با بلندگوی دستی سخنرانی و بیانیه‌خوانی کنند. شاید هم به این نتیجه رسیده‌اند که فضای جامعه در سال 1402، مانند فضای جامعه در دهه 70 و 80 نیست که وقتی تجمعات یاران الله‌کرم برگزار شود، کسی جرات نکند به آنها یادآوری کند که بالای چشمشان ابروست!

خلاصه هر دلیلی که دارد، این یک اتفاق مثبت است که پس از حدود 30 سال، بالاخره تصمیم بر آن شده تا برای پیگیری مطالبات، به جای فریاد و لشکرکشی کف خیابان و گاز دادن به موتورهای 125 و موتورهای «هزار»شان، از راه گفت‌وگو و حزبی خواسته‌هایشان را پی بگیرند.

منبع: روزنامه [www.iranpress.com](#) 28 [www.iranpress.com](#) 1402